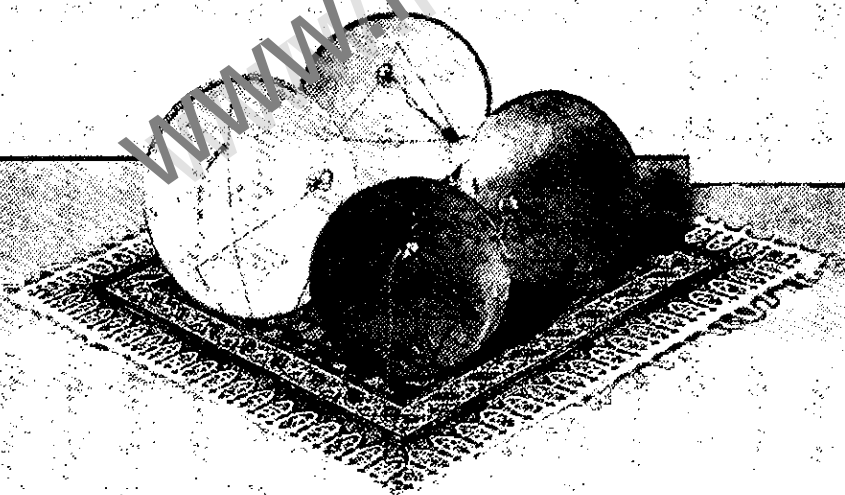


بشقاب‌های سفره پشت بام مان

خانواده و ماهواره

محسن عباسی ولدی



عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -

بشقاب‌های سفره پشت بام‌مان: ماهواره و خانواده/ مؤلف محسن عباسی ولدی

قم: جامعه الزهراء (علیها السلام)، ۱۳۹۲.

۲۶۴ صفحه

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۲۴-۱۶۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: ماهواره و خانواده

موضوع: ماهواره‌ها - ایران - جنبه‌های اجتماعی موضوع: رسانه‌های گروهی و فرهنگ - ایران

موضوع: تلویزیون - ایران - بخش مستقیم ماهواره‌ی - جنبه‌های اجتماعی - موضوع:

فرهنگ: ایران - ایران

۳۸۴/۵۱

۱۳۹۲ ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۲۴-۱۶۱

شناسنامه کتاب

نام کتاب: بشقاب‌های سفره پشت بام‌مان

نویسنده: محسن عباسی ولدی

ناشر: انتشارات جامعه الزهراء (علیها السلام)

نوبت چاپ و تاریخ: هجدهم، بهار ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۲۴-۱۶۱

انتشارات جامعه الزهراء (علیها السلام) - قم: ۰۲۵-۳۲۱۱۲۲۳۶

مرکز پخش: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۹۹۲

با ورود به این سایت و خرید اینترنتی، کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.

www.bookroom.ir

شماره سامانه پیامکی ما را به خاطر بسپارید: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

منتظر پیامک‌های شما هستیم

کلیه حقوق محفوظ است.

به سفارش معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین



دائم در مسیر میان زمین و آسمانی. راه آسمان را از بر داری.
 آسمان به تو عادت دارد ای مرد خدا!
 دوستی تو با برترین مرد عالم، هم نشینی تو با والاترین زن دنیا،
 از تو فرشته‌ای ساخته بی نظیر.
 شب‌هایی که همدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودی و روزهایی که در کنار
 فاطمه (سلام الله علیها) نفس کشیدی،

قیمت را در آسمان دو صد چندان نموده.
 قدر خدا هوای تو را دارد که دشمنت را کافر نامیده. (۱)
 چه اندازه پاک ای روح القدس! و چقدر امانت‌داری ای روح الامین!
 که خدایت زهرا را تو، واژه واژه قرآن را از آسمان بجینی
 در قلاب سامی‌ش بکاری؛

قرآنی که پاک‌ترین و کران‌سنگ‌ترین کتاب روی زمین است.
 یهود که دل به زمین بسته بودند، که همیشه خبر از آسمان
 می‌آوردی، دشمنی می‌نمود و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ایمان نیاورد؛
 زیرا تو، خبر رسان او از آسمان بختی. (۲)

فرشته دوست داشتنی خدا! دشمن تو دشمن ما هست. یهود با
 امواج زهر آگین خویش امروز آسمان را آلوده نموده. می‌شود سلام ما
 را به خدای محمد (صلی الله علیه و آله) برسانی و بگویی توانی دهد ما را که بر
 نفس‌مان غالب شویم که اگر چنین شود، پشت یهود به خاک مالیده
 خواهد شد.

تقدیم به فرشته وحی الهی، عابر میان زمین و آسمان

مرد خدا حضرت جبرائیل (علیه السلام) (۳)

۱. خداوند در قرآن فرمود: «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ» هر که دشمن خدا، و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است. سوره بقره، آیه ۹۸.

۲. هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه آمد روزی ابن صوری (یکی از علمای یهود) با جمعی از یهود فدک نزد پیامبر خدا ﷺ آمدند، و سؤالات گوناگونی از حضرتش کردند، و نشانه‌هایی را که گواه نبوت و رسالت او بود جست و جو نمودند، از جمله گفتند: «ای محمد! خواب تو چگونه است؟» زیرا به ما اطلاعاتی درباره خواب پیامبر موعود داده شده است»، فرمود: «پیش من به خواب می‌رود اما قلبم بیدار است». گفتند: «راست گفتی ای محمد!» و پس از سؤالات متعدد دیگر، ابن صوری گفت: «یک سؤال باقی مانده که اگر آن را صحیح جواب دهی، به تو ایمان می‌آوریم و از تو پیروی خواهیم کرد. نام آن فرشته‌ای که بر تو نازل می‌شود چیست؟» فرمود: «جبرئیل است. ابن صوری گفت: «او دشمن ما است، دستورهای مشکل درباره جهاد و جنگ می‌آورد؛ اما میکائیل همیشه دستورهای ساده و راحت آورده. اگر فرشته وحی تو میکائیل بود به تو ایمان می‌آوردیم». تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. یکی از معانی ذکر شده برای «جبرئیل»، «مرد خدا» است. رک:

تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۶۳.

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

بخش اول: دلایل خرید ماهواره - ۲۳

فصل اول: ناآگاهی ۲۷

گفتار اول: آگاهی بخشی ۳۱

۱. ترویج خانواده‌های بی‌قید در برابر خانواده‌های سستی ۳۴

۲. ترویج خیانت زن و شوهر ۳۹

۳. از بین بردن قبح ارتباط دختر و پسر؛ حتی تا حد یادر شدن ۴۱

۴. از بین بردن مفهوم مقدس و متعالی خانواده ۴۵

۵. ارزش‌زدایی از مفهوم غیرت ۴۹

۶. تحریک حس رقابت در میان زنان و مردان ۵۱

۷. ایجاد حس رقابت در میان زنان و دختران ۵۳

۸. ایجاد بلوغ زودرس جنسی ۵۴

۹. ایجاد روحیه تنوع طلبی جنسی ۶۴
۱۰. خارج کردن خانواده از قید مذهب و تغییر سبک زندگی ۶۸
- گفتار دوم: آگاهی بخشی در بعد شیوه‌ها ۷۳
۱. نمایش مکرر نیمه عریانی و ۷۶
۲. پخش سریال‌های دنباله‌دار ۷۸
۳. ترویج تفکر تغییر زمانه برای ترویج عادات غیرمعارف ۷۹
۴. فریب‌کاری‌های مذهبی ۸۱
۵. بان‌سورهای فریبنده ۸۲
- گفتار سوم: آگاهی بخشی در بعد متولیان ۸۵
- فصل دوم: لذت‌گرایی و ... اندن از فضاهای معنوی ۹۵
- ۱ پرسش اول: چه کنیم که شیرین محبت خدا را بچشیم؟ ۹۹
۱. انجام واجبات ۱۰۰
۲. خدمت به خلق ۱۰۴
۳. محبت و کمک به فقرا ۱۰۶
۴. محبت، مهربانی، ارتباط برای خدا و توکل بر او ۱۰۷
۵. حلم و بردباری ۱۰۹
۶. یاد مرگ ۱۱۰
۷. دشمنی با دشمنان خدا ۱۱۲
۸. یاد کردن نعمت‌های خدا ۱۱۳



۹. خُزن و شکر.....	۵۱۷
۱۰. شنیدن وصف عشق.....	۵۱۹
۱۱. پرهیز از مال حرام.....	۱۲۳
پرسش دوم: چه کنیم که این طعم را به کام دیگران بچشانیم؟.....	۱۲۴
۱. چشیدن، راه چشاندن.....	۱۲۴
۲. رفتارهای فطری.....	۱۲۷
فصل سوم: توجیهات سطحی.....	۱۳۱
۱. شبکه‌های دینی و مذهبی.....	۱۳۳
فلسفه راه‌اندازی شبکه‌های مذهبی.....	۱۳۶
چند کلمه ام‌تربیان شبکه‌های مذهبی.....	۱۳۷
۲. اخبار سیاسی و شبکه‌های علمی.....	۱۳۹
۳. جلوگیری از حریص شدن فرزندان.....	۱۴۵
فصل چهارم: جو‌زدگی.....	۱۴۹
مدیریت زندگی با حرف مردم!.....	۱۵۲
تفکر.....	۱۵۳
عزت حقیقی.....	۱۵۴
تشکیل جبهه متحد.....	۱۶۲
فصل پنجم: تلویزیونی شدن خانواده‌ها.....	۱۶۵
فصل ششم: شکست در رابطه با همسر: به ویژه در رابطه خاص.....	۱۷۳

فصل هفتم: بی کاری و تنهایی..... ۱۷۷

فصل هشتم: عدم دریافت شبکه‌های ملی با آنتن‌های معمولی..... ۱۸۳

بخش دوم: پاسخ به پرسش‌ها - ۱۸۹

پاک کردن صورت مسأله یا بالا بردن فرهنگ جامعه ۱۹۱

اول: جمع‌آوری بساط ماهواره از خانواده، امری لازم و ضروری..... ۱۹۲

دوم: ارتقای فرهنگ، ایجاد مصونیت از درون..... ۱۹۳

با پدریزرگ‌ها و مادریزرگ‌ها چه کنیم؟ ۱۹۵

اول: توجه به تربیت خانواده محور ۱۹۵

دوم: احترام به پدر به معنای تأیید همه کارهای او نیست ۱۹۷

سوم: تربیت نسبی ۱۹۸

جمع‌آوری ماهواره توهین به شعور مردم نیست؟ ۱۹۹

اول: جمع‌آوری ماهواره قانون مصوب مجلس ۱۹۹

دوم: اصالت کار فرهنگی ۲۰۰

سوم: آیا کار فرهنگی کافی است؟ ۲۰۰

چهارم: آیا تماشای فیلم‌های مبتذل اهانت به خویش نیست؟ ۲۰۴

با ابزارهای رسانه‌ای دیگر چه کنیم؟ ۲۰۷

اول: تعصب یا تعقل؟ ۲۰۷

دوم: تفاوت ماهواره با دیگر رسانه‌ها ۲۰۸

الف) میزان نیاز به رسانه‌ها ۲۰۸

ب) سهولت دسترسی به رسانه‌ها ۲۰۸



- سوم: مدیریت صحیح ابزارهایی غیر از ماهواره ۲۱۰
- چهارم: باز هم کار فرهنگی ۲۱۱
- ماهواره برای ما سرگرمی است؛ همین ۲۱۷
- اول: ادعای ثابت نشده ۲۱۷
- دوم: عاقبت تفریح باطل ۲۱۸
- اگر شغل مان اقتضای دیدن ماهواره دارد ۲۲۱
- اول: توجه به خانواده ۲۲۱
- دوم: استفاده در حد ضرورت ۲۲۱
- سوم: نهایی و مطالعه ۲۲۲
- آیا محدودیت مشاغل ساز نیست؟ ۲۲۳
- اول: مقایسه نادرست نرمل شاه و امروز ۲۲۳
- دوم: عامل پیروزی انقلاب ۲۲۶
- سوم: هزینه برداشتن محدودیت ها ۲۲۸
- چهارم: باز هم همان حرف همیشگی ۲۲۹
- کمی از خدا بترسیم ۲۳۱
- اول: گناه اختلاف افکنی در میان زن و شوهر ۲۳۱
- دوم: اختلافات خانوادگی ماهواره ای ۲۳۲
- چه کنم که تماشای ماهواره را ترک کنم؟ ۲۳۵
- اول: تأثیر ناپذیری: ادعا یا واقعیت؟ ۲۳۵
- دوم: توجه به مکر شیطان ۲۳۶

مقدمه

رهایم کن! سنگین کن! بند زمین نکین! من برای پرواز آمده‌ام؛ نه برای سقوط در سای باز شده آسمان را بگیر نمی‌بینی، که عمیق دره را نشان می‌دهی؟ من می‌خواهم پرواز کنم. چشمان پاکم را به من برگردان. این خیمه‌ها را به من نداده‌اند که هر چه تو خواستی ببینم. این‌ها برای دیدار من نیست. پرواز است که تو آن‌ها را ربودی و راه سقوط را نشان‌شان دادی.

تو می‌خواهی من روی زمین بمانم؛ اما دوست، منتظر است من به آسمان پر بکشم. تو می‌خواهی من تاریک باشم. او می‌خواهد آینه شوم؛ آینه‌ای که فقط او را نشان می‌دهد. تو

می‌خواهی اسیر تو باشم. او می‌خواهد در همهٔ عالم، امیر باشم. تو مرا در امروز خلاصه می‌کنی. او مرا برای ابد آفریده است. تو انسانیت مرا می‌گیری و خرج حیوانیت می‌کنی. او انسانیت مرا آزاد می‌کند تا خرج آسمانی شدنم بشود.

رهایم کن! من از تاریکی گریزان بودم. اصلاً از تاریکی می‌ترسیدم. تو چه کردی که من با تاریکی خو گرفتم؟ من از سوی نور آمده بودم و حالا هم می‌خواهم به دامن نور بازگردم.

رهایم کن! این‌ها که نشانم می‌دهی، زیبایی نیست. من زیبایی را می‌شناسم. هر چه به رنگ دوست باشد، زیبایی است. این‌ها که تو نشانم می‌دهی، زشت‌هایی هستند که نام زیبایی را به سرقت برده‌اند. دستش بر باد هر که این شیخ‌ترین دزدی تاریخ، انسانیت را انجام داد.

رهایم کن که وقت تنگ است. شاید هم وقت به پایان رسیده باشد. من که نمی‌دانم چه اندازه فرصت دارم؛ اما می‌دانم که کار، بسیار است و راه، طولانی، و من مانده‌ام با عمری که از کف رفته و باژی که روی دوشم سنگینی می‌کند. مرگ، پیر و جوان نمی‌شناسد. صدای زوزه مرگ را چند



روزی است که در حوالی وجودم می‌شنوم.

رهایم کن ای نفس! من آمده بودم که با دوست باشم، رفیق
راهم، مقصدم، دنیا و آخرتم او باشد. آمده بودم که به کم‌تر از
او راضی نباشم. مرا به گونه‌ای آفرید که با کسی جز او آرام
نگیرم. آمده بودم دم به دم او را در مقابل خودم بگذارم و
لحظه به لحظه نگاهش کنم تا بشوم جانشین او روی زمین. تو
حکومت خودم را بر خودم هم گرفتی؛ چه رسد به جانشینی
دوست روی زمین.

رهایم کن که دوست، دلم را خانه‌ی خودش کرد و سند
مالکیتش را به نام خویش زد؛ اما بر سر هر راهی که به او
می‌رسید، نشست و دلم را نشانه گرفت و مرا از دوست جدا
کردی.

رهایم کن! دیگر فریبت را نخواهم خورد. من نمی‌خواهم
بزرگ باشم و بزرگ بمانم. از کوچک بودن فراری هستم و تو
می‌خواهی مرا در بند کوچک‌ها کنی.

رهایم کن که دیگر جز به او که حاکم آسمان‌ها و زمین
است، راضی نخواهم شد. من به اصل خویش بازگشته‌ام.
رهایم کن ای نفس!

ماهواره، مهمان ناخوانده‌ای است که چند صباچی سرزده وارد خانه‌های برخی از ما شده است. برخی نیز هوای دعوت کردن از آن را در سر دارند؛ خودش را خیرخواه ما معرفی می‌کند. او می‌گوید: «می‌خواهم شما را با دنیایی که زیر سقف آن نفس می‌کشید آشنا کنم». ماهواره مدعی است دنیایی از علم را در سینه خود جا داده و شما بی آن که از جای خود تکان بخورید، دانش آموخته دانشگاه او خواهید شد. ادعای صداقت دارند و می‌گویند: «هر چه می‌گوییم راست است. باور کنید. من همه اخبار دنیا را بی آن که یک کلاغ چهل کلاغ کنم به شما می‌رسانم. مطمئن باشید که کم فروشی هم نخواهم کرد».



ما او خیلی دلش به حال اوقات فراغت ما سرخشته و شب و روزش را صرف پرکردن این اوقات کرده است. این موجود خیرخواه، به قدری فیلم و سریال آماده کرده که اگر روزهایمان هفته شود و هفته‌ها مان ماه، باز هم برای دیدنش، وقت کم می‌آوریم. ماهواره خودش را دوست راه زندگی ما می‌داند؛ اما آیا به

چنین دوستی می‌توان اعتماد کرد؟ چرا برخی از ما به راحتی در را به روی این مهمان ناخوانده باز کرده‌ایم؟ آیا اگر یک فرد غریبه قصد آمدن به خانه شما را داشته باشد و شما هم او را شناسید و ناموس‌تان هم در خانه باشد، او را به خانه راه می‌دهید؟ اگر راه دادید، اجازه می‌دهید به هر کجای خانه که دلش خواست سرک بکشد؟ این مهمان ناخوانده اما وارد خانه برخی از ما شده و هر کجا که خواسته سرک کشیده؛ حتی به دل و جان و ایمان و اخلاق و عقایدمان! آیا ما به همه چیز و همه کس، مثل این مهمان ناخوانده اعتماد می‌کنیم؟

کتابی که پیش روی شما است، مجموعه مباحثی است که در رادیو معارف در برنامه «پرسمان تربیتی خانواده» با موضوع ماهواره مطرح شده است. در تاریخ پنجم شهریور ماه ۱۳۹۱ پرسشی از سوی یکی از شنوندگان محترم مطرح شد که زمینه بحث درباره موضوع «ماهواره و خانواده» را در هشت برنامه پرسمان تربیتی فراهم کرد. پرسش این بود: «همسر ماهواره گرفته و به خانه آورده. حالا که من مخالفت می‌کنم، به صراحت می‌گوید یا من در خانه تو می‌مانم با ماهواره یا اگر ماهواره از این خانه برود، من هم می‌روم».

ما برای پاسخ گفتن به این پرسش به سراغ ریشه‌های گرایش به ماهواره رفته و متناسب با هر ریشه، راه‌کاری برای مقابله با آن بیان نمودیم. در این میان، پرسش‌های متعددی هم از سوی شنوندگان مطرح می‌شد که به آن‌ها پاسخ دادیم.

این برنامه از همان ابتدا با استقبال کم‌نظیری از سوی شنوندگان رادیو معارف مواجه شد. بسیاری از شنوندگان معتقد بودند این بحث باید از تلویزیون و شبکه‌های پرشنونده رادیو هم پخش شود. تأثیرگذاری این بحث به قدری بود که برخی از شنوندگان تماس گرفته و گفتند پس از شنیدن این بحث، بساط ماهواره را از خانه‌شان جمع کرده‌اند.



یکی از ویژگی‌های این برنامه، بیان تجربیات منفی از سوی شنوندگان بود. شنوندگانی که آسیب ماهواره را در زندگی خود یا نزدیکان خویش به وضوح دیده بودند، تماس گرفته و تجربیات خود را بیان می‌کردند. بسیاری از این تجربیات در برنامه پرمسان پخش شد. در این کتاب هم بخشی از این تجربیات را آورده‌ایم. تجربیات شما در این کتاب با ادبیاتی عامیانه و به صورت چپ چین آمده تا به راحتی با متن اصلی و نقل قول‌هایی که از کتاب‌ها داشته‌ایم متمایز شود. قسمتی از

سخنان شنوندگان برنامه را نیز در پایان این کتاب آورده‌ایم.
در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۹۱ آخرین برنامهٔ پرسمان با
موضوع ماهواره پخش شد. سؤال پایانی برنامه این بود: «به
برنامهٔ پرسمان که در هشت برنامه با موضوع ماهواره پخش
شد چه نمره‌ای می‌دهید: عدد یک برای عالی، عدد دو برای
خوب، عدد سه برای متوسط و عدد چهار برای ضعیف».

نتایج پاسخ شنوندگان به این پرسش، دو نکتهٔ ویژه داشت:
اول آن که میزان مشارکت شنوندگان در این نظرسنجی،
مشارکتی کم‌ظن را رقم زد. دوم آن که بیش از ۹۵ درصد از
شرکت‌کنندگان عدد یک را ارسال کرده بودند. سهم
نمرهٔ یک هم در این میان بیش از ۹۰ درصد بود.

اقبال فعالان عرصهٔ اینترنت از این بحث، گواه دیگری بر
ضرورت طرح این بحث در سطح جامعه بود.

به عقیدهٔ ما علاوه بر افرادی که این مهمان ناخوانده را به
خانه‌هاشان راه داده‌اند، کسانی هم که هنوز در راه روی آن
باز نکرده‌اند، نیازمند آگاهی دربارهٔ ماهواره و آثار آن در محیط
خانواده هستند. میزبانان باید آگاه شوند، تا از دام این توطئه و
تهاجم رها شوند. کسانی هم که هنوز با ماهواره ارتباط برقرار

نگرده‌اند باید آگاه شوند؛ آن هم به دو دلیل: اول آن که ما هیچ گاه نباید از ناحیه دشمن احساس امنیت کرده و خیال‌مان آسوده باشد. گاهی به جهت اعتماد بیش از اندازه به خودمان و به جهت ناآگاهی از دسیسه‌ها، ضربه‌ای کاری از دشمن می‌خوریم. دوم آن که در اطراف ما کسانی که به جهت غفلت یا جهل، در دام شبکه‌های ماهواره‌ای افتاده‌اند، کم نیستند. ما به عنوان کسانی که دل در گرو دین داریم، باید خود را سرباز جبهه فرهنگی دانسته و در مقابل کسانی که در دام ماهواره گرفتار شده‌اند احساس مسئولیت کنیم. مگر سرباز جبهه فرهنگی بدون آگاهی نسبت به نقشه دشمن، می‌تواند کاری از پیش ببرد؟



حالا که نزدیک به یک سال از طرح این بحث می‌گذرد، فرصتی دست داد تا مطالب مطرح شده در آن برنامه را به صورت کتاب تألیف کنم. امیدوارم این تلاش هر چند کوچک، گامی مفید در مسیر دفاع از حریم بی‌همتای خانواده باشد.

(۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰) شماره سامانه پیامکی ما است. این شماره

را به خاطر بسپارید و با طرح نظر، پیشنهاد و انتقاد خود، ما را

در هر چه پر بارتر کردن این کتاب در چاپ‌های بعدی یاری کنید. ما دوست داریم شما هم، مثل شنونده‌های این برنامه تجربیات خود یا آشنایان‌تان را دربارهٔ ماهواره و تأثیر آن روی خانواده از طریق سامانهٔ پیامکی با ما در میان بگذارید.

در پایان از همهٔ کسانی که در راه انتشار این کتاب کوشیدند تشکر نموده و امیدوارم همهٔ شما از خطراتی که بنای زیبای خانواده را تهدید می‌کند در امان باشید.

محسن عباسی ولدی

قم؛ شهر بانوی کرامت

۱۸ مرداد ماه ۱۳۹۲

عید فطر، اول شوال ۱۴۳۴